ایران در مخمصه‌ای از چهارسو

مسعود سالاری
تحلیلگر مسائل سیاسی

جامعه ایران از یکسو با انسداد سیاسی روزافزون از ناحیه جریانی که به‌شدت در حال تکمیل پروژه یکدست‌سازی یا به قول یکی از سیاستمداران تا چندی پیش خودی: «خالص سازی»، با رویکرد غرب‌ستیزی، افراطی به پیش می‌تازد و در زمین بازی قدرت حتی اندک نیروهای مسامحه‌گر در این روند را بر نمی‌تابد. از سوی دیگر، ناراضیان زیاد خشمگینی را در خود دارد که در مقابل هر پروسه و روند تدریجی و گام به گامی زمان‌بر ناصبورند و درعین‌حال، فاقد نیروی منسجم و راه برون‌رفتی ممکن برای اعمال تغییراتی در کوتاه‌مدت اگر مقدور باشد! و در سوی سوم، در معرض فرصت‌طلبی دشمنان و طمع‌ورزان تاریخی نسبت به خود و رقیبانی که در عرصه رقابت از روی اصول و قواعد متعارف بازی نمی‌کنند و در کشمکش‌های دوران پساهژمونیک برای موقعیت‌یابی درشکل‌گیری موازنه جدید، درصددند برای رسیدن به هدف پا روی گرده ایران آتمیزه‌شده بگذارند و یا ایران را وجه‌المصالحه قرار دهند. خاصه آنکه با احتمال آمدن ترامپ روابط آمریکا با ایران، صورت ناصواب‌تری برای حل مسائل فی‌مابین آمریکا با چین و اوکراین و عربستان، به خود خواهد گرفت.

در وجه چهارم نیز با الیت‌ها و نخبگان سیاسی‌ای مواجه هست که دچار چندپارگی و تشتت رای و نظر و غالباً انفعال و ایستایی هستند و در بهترین حالت در مرحله روایتگری بدون راهبرد و هدف‌گرایی بی‌مسیر در جامی‌زنند. هیچ‌کدام هم به‌تنهایی گفتمان فراگیر هژمونیک ندارند.

در این شرایط چهار سویه از بی‌رمق و رونقی نیرو یا جریان مقبولی که بتواند در مرکز این چهارسو قرار بگیرد و یا گفتمانی که همگرایی ایجاد کند و نقطه تعادل مرکزی برای یک انسجام اجتماعی برقرار کند و کارآمدی دینامیزم اجتماعی و به‌کارگیری آن را در بزنگاهی ممکن گرداند، رنج می‌برد. درحالی که به‌شدت نیازمند متعادل‌کننده‌ی این چنینی است.

بدیهی است در فقدان این مهم، جریان تمامیت‌خواه که ابزار لازم برای پیشبرد پروژه خود دارد، یکه‌تازی خواهد کرد. در این راه متنفعین داخلی و خارجی همراه با جریانی دارای دست بالا در قدرت موسوم به «خالص‌ساز» باشدت و حدّت بیشتر عمل خواهند کرد. در فقدان تعادل‌بخشی همگرا، خالص‌سازی را به نهادهای نظامی و انتظامی خواهند کشاند و تشدید خواهند کرد و دیگر حتی احتمال برون آمدن نیرو هایی در میان اقل طرفداران متوهم و متعصب خود در داخل این نهادها را هم که هرازگاهی به خود می‌آیند و این راه ترکستان رفتن را زیر سوال می‌برند، برای خود خطرآفرین خواهند دید و لاجرم درصدد حذف آنها.

اما انتخابات مجلس دوازدهم یک وضعیت روشنی را نمایان کرده است و آن‌هم، چندپارگی جریان یکدست‌ساز و ایجاد شکاف در یکپارچگی آنها در قدرت هست و از طرفی بهترین فرصت برای گروه‌های اندک متوهم و متعصب فن هراس آنها پیش آورده، که در ته دل دغدغه کشور را دارند و اکنون از روی عملکرد و به جان هم افتادن آنها هم به نیت و هم ناکارآمدی آنها پی برده و می‌برند. اگر دغدغه‌مندان ایران در هر جا و مرتبت و دارای هر دیدگاهی که باشند، چنانچه وجود چهارسوی آینده‌سوز را باور دارند، باید گفتمان روز و مطالبه‌گری روزنه‌گشا را، هم در شکستن انسداد سیاسی و هم در کاهش فاصله فاحش حاکمیت با مطالبات اکثریت جامعه، از طریق مطالبه یکپارچه کاهش تنش بین‌المللی در فرصتی که هست و مطالبه یکپارچه تغییر رویکرد اقتصادی و سیاسی و انزواطلبی، چه در حدفاصل امکان آمدن ترامپ، چه در انتخابات ریاست‌جمهوری دو سال بعد ایران، از همین حالا بدون فوت وقت جامعه را با هر امکانی در این مسیر و حول این راهبرد قرار دهند.

اکثریت مردم عاصی و ناامید، ولی درعین‌حال دنباله روزنه امید و راهکاری که مانع آینده‌سوزی بیشتر شود، هستند. در نبود چنین تلاش و راهکاری از سوی الیتها و فعالین مدنی دغدغه‌مند به گردگویان همیشه در صحنه اینترنشنال و بی.بی.سی و وی.او.ای و... یا اطلاعات فیک فضای مجازی که با خشم و استیصال‌شان، با نیتی متفاوت همسویی نشان می‌دهند، پناه می‌برند. وضعیتی که اکنون بر فضای کنشگری جامعه حاکم است، الیتهای ما نه با هم گفت‌وگو می‌کنند نه به گفت‌وگو با مردم اهتمام دارند و نه با واسطه یا مستقیم به گفت‌وگو با قدرت اهتمام جدی دارند، باید تغییر کند. آنچه که بر فضای کنشگری ما حاکم است اعتراض و نفی نظرات و دیدگاه‌های همدیگر است، نه نقد گفت‌وگومحور و واقعیت‌یاب.

تجربه تاریخی نشان داده هرگاه پیشتازان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ورزشی همسو و بر یک نظر و یک حرف و یک راه اهتمام بورزند، حمایت اکثریت جامعه را نیز جلب می‌کنند، این حمایت نیازمند هدف‌گذاری و استراتژی گفتمانی مورد توافق مبنی بر خیر عمومی است که باید از قبل تمهید شود و در بزنگاه ممکن از دینامیزم نیروهای اجتماعی بهره ببرد.

هم اقلیت میانه‌رو توسعه‌گرای راه‌یافته به مجلس، هم اندک نیروهای میهن‌دوست دغدغه‌مند درون نهادهای سیاسی، که پالس‌های هشداردهنده‌ای را از میزان پایین مشارکت و آراء باطله گرفته‌اند، هم دغدغه‌مندانی که در درون نهادهای نظامی و انتظامی و سپاه که نمودهایی از دغدغه‌مندی را از خود بروز داده‌اند و بیش و مهمتر از همه، نخبگان سیاسی خارج‌رانده‌شده از نهادهای قدرت و رهبران احزاب و تشکل‌ها و نیروها و نخبگان اجتماعی و دانشگاهی همه برای همگرا شدن در نقطه‌ای میانه، برای ایران حیران در این چهارراه بی‌همراه، همراه شوند.

به‌نظر می‌رسد هنوز و تا بعدهای بی‌انتها، همواره و همچنان منطق فشار از بیرون قدرت و گفت‌وگو با سران قدرت توسط اعتدالیون داخل یا مرتبط با هسته قدرت، به پشتوانه این فشار، منطق استوار و کاربردی است و به‌هیچ‌وجه نباید به آن مقطعی نگریست، و همیت بر آن باشد که بین جامعه و حاکمیت بتوان موازنه‌ای ظریف برقرار کرد. راه این همراهی و ممانعت از آینده‌سوزی تنها و تنها گفت‌وگو و ایجاد چنین موازنه‌ای است. نه اعتراض به همدیگر و نه اعراض از هم.

رادیکالیزه کردن دو سمت حاکمیت و جامعه، از طریق ایجاد خشم و تنفر با ترویج و عادی‌سازی رانت و مفاسد اقتصادی و اداری و توسل به زور و تابوسازی غرب‌ستیزی، روی‌گردان و منفعل کردن جامعه و به انحراف بردن جامعه ناراضی از مسیر گفت‌وگو و کنش‌های مدنی و جا انداختن تئوری آخرالزمانی است. این اولین باری نیست که در جمهوری اسلامی در ۴۵ سال گذشته در یک غفلت سیستماتیک ناشی از عدم روزآمدی و ایستایی نیروهای پیشرو، قدرت دست یک جریان یکدست در عرصه همه نهادها می‌افتد و چندبار هم (در مقاطع ۷۶ الی ۸۴ نهاد ریاست‌جمهوری، ۸۸ لغایت ۸۲ نهاد مجلس، ۹۲ الی ۴۰۰ نهاد ریاست‌جمهوری و ۹۴ الی ۹۸ نهاد مجلس) از یکدستی خارج می‌شود.

هربار شکستن انحصار قدرت، فقط با حضور و تمایل اکثریتی با پیش قراولی نخبگان و پیشروان اجتماعی سیاسی ایستاگریز، پویا و فعال و تبیین از پیش جهت آمادگی برای مقاطع انتخابات و نقش‌آفرینی در موعد انتخابات بوده و عدم استمرار آن هم به‌دلیل سرخوردگی از نرسیدن اهداف غیرواقع‌بینانه‌ای که از دو سو، رقیب و کنشگران زودخواه، دامن زده می‌شد و ضعف در تبیین و تحلیل علل ناکامی‌ها، هیجان ابتدایی را به وادادگی ناشی از زودخواهی را به انتها می‌سپارد.

بحث تحریم انتخابات و روی گردان کردن مردم از ابزار قانونی انتخابات استراتژی خالص‌سازان از بدو شکل‌گیری جمهوری اسلامی بوده و با استفاده از همین غفلت و ایستایی الیتها هربار قدرت را به انحصار خود درآورده و ویرانی‌هایی بار آورده‌اند که برآمدن از آنها چندین برابر مشکل‌تر از قبل شده است. اگر امروز بسیاری از نخبگان جامعه‌شناسی و سیاسی توصیه عدم ترک صندوق رای را دارند، بیم آن است که نرسد به آنجایی که روزی چند گام به عقب‌تر برگردیم و برای وجود صندوق و رسمیت شناختن آن توسط حاکمیت و مراجعه به آراء مردم، باید تقلا کنیم. رفتار انتخاباتی مردم و نمایش اعتراض با عدم مشارکت و آراء اعتراضی و سونامی آراء باطله به همراه پیدا شدن واقعیات پشت توهمات و ساده‌انگاری‌ها و البته سوءنیت‌ها، در بوته عمل و اجرا در مجلس و دولت، زمینه مناسبی برای گفت‌وگوی فراگیر فراهم کرده است.

یکدندگی و سفت و سختی هسته قدرت و کارگزاران سطح اول آن که فقط از حمایت حداکثری حامیان متنفع جریان پوتینیزمی خود برخوردارند، تا وقتی است که فشار اجتماعی برتر بر قدرت مقاومت خود به‌طور یکپارچه حول یک گفتمان و راهبرد در چارچوب قانون را احساس نکنند. بدون انسجام گفتمانی راهبردی و همگرایی اجتماعی، با محوریت الیتها، فشار یکپارچه ایجاد و ابراز نمی‌شود و لاجرم موازنه‌ای هم شکل نمی‌گیرد. آغازگر و محور ایجاد بستر این گفت‌وگوها همین نمایندگان میانه‌رو و مستقل در مجلس که اقلیتی تاثیرگذار در مقابل اکثریت چندپاره حاضر در مجلس و نیز اصحاب رسانه، همچنین نیروهای به حاشیه رانده‌شده ولی هنوز قادر به برقراری ارتباط با زعمای داخل قدرت، مشارکت دادن مراجع دینی‌ای که هنوز گوش‌هایی چه در داخل حاکمیت و چه در بین جامعه متدین به حرف آنها هست و از تندروی‌ها و ناکارآمدی‌ها رضایت ندارند. با تکیه بر مطالبه ری یکپارچه اجتماعی و اجماع بر قانون، می‌توانند باشند. اهتمام به انتقال فضای ذهنی روایتگری مشکلات به فضای راهبردی و روزنه‌گشایی گفت‌وگومحور، با همه تاثیرگذارانی که در بالا ذکر شد، حول پرسش ساده اما بنیادی «چه می‌توان کرد؟» در کنش‌ها، از ناحیه کنشگران، پیش‌نیاز گفت‌وگو با هدف یافتن پاسخی برای آن باشد. منافع ملی در چارچوب قانون به‌رغم ایرادات زیادی که وارد است و رجعت همه به قانون، بهترین و قابل‌قبول‌ترین محور گفت‌وگو و هم قوی‌ترین ابزار همگرایی و توافق است.

اقدامات و تصمیمات همگرایانه، با اصل قرار دادن رفع تهدیدات خارجی و ترمیم ضعف‌های موجود و استفاده از فرصت‌هایی که همواره در این دنیای در حال تضاد و تنش چه از منظر داخلی و چه خارجی، به‌وجود می‌آید، نتیجه‌اش کاهش شکاف دولت-ملت، انسجام اجتماعی و افزایش اقتدار ملی مبتنی بر حمایت اجتماعی و آمادگی برای قرار گرفتن در مسیر درست در شرایط پرتلاطم خواهد بود.

ادامه سرمقاله

اگر انگیزه‌ای برای کار در رسانه‌های مستقل است قطعاً این انگیزه مادی نیست بلکه امید به ایجاد بهبودی در شرایط کشور از طریق نقد و نظارت بر عملکردهای رسمی است.

این رویکرد همان است که در طول ۱۸ ماه گذشته صدها شکایت از روزنامه‌ها را با صرف پول ملت انجام داده است و با کوچکترین ناراحتی از مطلبی سعی در فشار به آنها از طریق قطع امتیازات دارد. اگر می‌خواهید این رویکرد را ادامه دهید، نمی‌توانیم مانع شما شویم. ولی باید آگاه باشید که اگر این اندک رسانه‌های منتقد نبودند، امروز عملکرد دولت به مراتب بدتر از این می‌شد که هست. اگر این رسانه‌ها نبودند مرجعیت خبری و رسانه‌ای به‌طور کامل به آن‌سوی مرزها رفته بود، چون مردم در رسانه‌های رسمی مجیزگوی، خیری نمی‌بینند.

اجازه دهید خیلی صریح گفته شود. فاصله ما تا رسانه‌های کارآمد که لرزه بر اندام افراد فاسد و ناکارآمد بیاندازد و آنان را به پاسخگویی مجبور کند، خیلی زیاد است. از یک سو دسترسی به اطلاعات بسیار محدود است و از سوی دیگر با دادرسی بی‌طرفانه رسانه‌ای فاصله داریم. اتفاقاً یکی از علل فساد ۳/۷ میلیارد دلاری چای دبش این بود که رسانه‌ها نتوانستند دولت و وزارت کشاورزی را در ماجرای نهاده‌های دامی به چالش بکشند در نتیجه راه برای فساد بعدی نیز باز شد. هم‌اکنون هم این راه بسته نشده است و تا هنگامی که رسانه‌های واقعی شکل نگیرد نیز بسته نخواهد شد. دولتی که حتی از این رسانه‌های نیمه‌جان انتظارات تبلیغاتی دارد درکی از اهمیت رسانه در دنیای جدید ندارد. آنها می‌خواهند با هواپیماهای مدرن، شن و ماسه جابه‌جا کنند!

۲ تیتر یک
HEADLINE ONE

گزارش یک

«هم‌میهن» از آخرین وضعیت غزه گزارش می‌دهد:

بحران انسانیت

محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

حدود ۶ ماه از آغاز جنگ در غزه می‌گذرد و پرتراکم‌ترین منطقه مسکونی جهان در آستانه یک بحران انسانی بزرگ است. رویترز خبر داده است که امروز -یکشنبه- مذاکراتی در قطر برای دستیابی به آتش‌بس برگزار خواهد شد. رسانه‌های انگلیسی از سفر رئیس موساد به قطر برای شرکت در این گفت‌وگوها خبر داده‌اند؛ هرچند مشخص نیست که این مذاکرات صلح نیز به سرنوشت مذاکرات پیشین دچار نشود. غزه در ماه رمضان امسال دچار بحران انسانی است و ویرانی بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند. اهالی نوار غزه رمضان سال ۲۰۲۴ را بر خرابه‌های خانه‌های خود می‌گذرانند.

بن‌بست آتش‌بس

جنگی که پس از عملیات ۷ اکتبر آغاز شد و حتی در ماه رمضان متوقف نشد و هیچ‌یک از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز پایانی برای آن متصور نیستند. در سال‌های گذشته، جنگ‌های متعددی در غزه اتفاق افتاد اما هیچ‌یک به اندازه جنگ اخیر ویرانی بر جای نگذاشتند. تا لحظه تنظیم این گزارش، بیش از ۳۱ هزار و ۵۰۰ نفر از مردم غزه کشته شدند و آن‌هایی که زنده ماندند، با بحران انسانی عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در خطر قحطی قرار دارند. یونیسف در آخرین گزارش خود اعلام کرد که سوءتغذیه میان کودکان شمال غزه طی یک ماه گذشته، ۲ برابر شده است. حتی رژیم صهیونیستی که معمولاً کم‌ترین تلفات را در جنگ‌های غزه داشت، بنا بر آمارهایی که خود اسرائیلی‌ها منتشر کردند بیش از ۵۰۰ سربازشان کشته شده‌اند. جنگ در فلسطین هرچند به‌طور مستقیم به دیگر مناطق سرایت نکرد اما خاورمیانه را در مرز انفجار نگه داشته است. جنگ‌های غزه معمولاً کوتاه بودند. تا اندازه‌ای که آن‌ها را با تعداد روزهای بحران می‌شناسیم؛ مثل جنگ ۸ روزه یا ۲۲ روزه. اما در حال حاضر این جنگ در آستانه ۵ ماهگی است و مشخص نیست که چه زمانی به پایان می‌رسد. طولانی شدن این جنگ، شکست مذاکرات آشکار و محرمانه پایان جنگ و نرسیدن کمک‌های انسانی به اندازه کافی، غزه را در بحرانی انسانی فرو برده است. هر چقدر این جنگ بیشتر طول می‌کشد، لزوم رسیدن به یک آتش‌بس بیشتر احساس می‌شود. چراکه به‌زعم کارشناسان، نه اسرائیل توانایی نابودی حماس را دارد و نه گروه‌های مقاومت می‌توانند اسرائیل را از بین ببرند. در این میان، غیرنظامیان غزه بیشترین هزینه این جنگ را پرداخت کرده‌اند. تلاش‌های متفاوتی برای دستیابی به آتش‌بس انجام شده که تاکنون تمام آن‌ها شکست‌خورده است. قطر، مصر، امارات، اردن و آمریکا از جمله کشورهایی هستند که برای برقراری آتش‌بس در غزه تلاش می‌کنند. قاهره طی چند ماه گذشته محلی برای مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم و البته رایزنی‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به این جنگ بوده است. رئیس آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) طی چند ماه گذشته، چند سفر محرمانه به مصر داشته و ملاقات‌هایی در سطح مقامات اطلاعاتی صورت گرفته که بنا بر گزارش رسانه‌ها، رئیس سرویس اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد) حداقل در یکی از آن‌ها حضور داشته است. به غیر از سطوح اطلاعاتی، قاهره محل تماس‌ها و ملاقات‌های دیپلماتیک نیز بوده است. آخرین دور مذاکرات قاهره بدون نتیجه و با شکست گفت‌وگوها به پایان رسید و اظهارنظر اسرائیلی‌ها و رهبران ارشد حماس نیز نشان می‌دهد که فعلاً آتش‌بسی برقرار نخواهد شد. اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس همواره بر «توقف همه‌جانبه جنگ، خروج نیروهای اسرائیلی از نوار غزه، بازگشت آوارگان به خانه‌های خود، کمک‌رسانی به مردم فلسطین، برداشتن محاصره غزه و توافق مبادله اُسرا» تاکید دارد. بر اساس آخرین گزارش‌ها، حماس بسته پیشنهادی خود را به کشورهای میانجی و همچنین آمریکا ارائه کرده است. حماس پیشنهاد داده که در مرحله اول توافق، زنان، کودکان، سالمندان و بیماران غیرنظامی و سربازان زن اسرائیلی را در ازای ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ اسیر فلسطینی آزاد کند. حماس همچنین اعلام کرده است که تاریخ نهایی آتش‌بس دائمی و خروج اشغال‌گران از نوار غزه نیز پس از تبادل اُسرا مورد توافق قرار خواهد گرفت. اما نخست‌وزیر اسرائیل این پیشنهاد را به‌طور کامل رد کرد و شروط حماس را «غیرواقعی» خواند. به گزارش مهر به نقل از اسکای‌نیوز عربی، دفتر نخست‌وزیری اسرائیل پس از نشست کابینه جنگ در خصوص رد پیشنهاد حماس و تأیید حمله به رفح طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که نتانیاهو طرح ارتش اسرائیل برای حمله به رفح در جنوب غزه را تأیید کرده است. در ادامه این بیانیه بار دیگر تاکید شده که موضع جدید حماس درباره مذاکرات آتش‌بس همچنان مبتنی بر خواسته‌های غیرواقعی است. هنوز مشخص نیست که سرنوشت غزه چه خواهد شد. برخی بازیگران بین‌المللی از راه‌حل دوکشوری برای پایان دادن به بحران در فلسطین صحبت می‌کنند. برخی دیگر به دنبال اداره غزه توسط تشکیلات خودگردان هستند. از سوی دیگر، اسرائیلی‌ها اعلام کردند که اداره غزه توسط تشکیلات خودگردان گزینه‌ای نامطلوب است. حتی اگر توافقی بر اداره باریکه از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین به دست بیاید، گروه‌های فلسطینی در درون خود مشکلات و اختلافات فراوانی دارند. تلاش‌های مسکو برای رفع اختلاف میان این گروه‌ها نیز ناموفق بوده و چشم‌اندازی وجود ندارد.

گزارش دو

با وجود مخالفت نیروهای مسلح

دوره اجباری سربازی ۱۴ ماهه شد

گروه خبر: در روزهای پایانی سال ۱۴۰۳ سخنگوی شورای نگهبان از تایید حکم کاهش مدت سربازی نیز خبر داد و تاکید کرد: «با رعایت ماده ۴ قانون خدمت وظیفه عمومی و در چارچوب تدابیر ستادکل نیروهای مسلح خلاف موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

از اولین روزهای ۱۴۰۰ برخی از نمایندگان مجلس یازدهم زمزمه اختیاری شدن سربازی را سر دادند تا به قول خودشان این دوران را برای جوانان هدفمند کنند. ابوالفضل ابوترابی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها، درباره اختیاری شدن سربازی در سال ۱۴۰۰ اعلام کرد: «سربازی یکی از دغدغه‌های اصلی جوانان و خانواده‌ها بوده که با افزایش مشکلات اقتصادی این دغدغه دوچندان شده است؛ با توجه به اینکه هر گونه تغییری در روند سربازی تعداد وسیعی از جامعه را در بر می‌گیرد بر همین اساس نیازمند اصلاح قوانین اعزام مشمولان هستیم. اجرایی شدن این طرح فقط به اختیاری بودن سربازی ختم نمی‌شود؛ این موضوع مسائل متعدد دیگری نظیر نیاز نیروهای مسلح به نیروی انسانی و افزایش دوران خدمت از ۲ سال به ۵ سال البته به صورت هدفمند را شامل می‌شود.» در این میان نیروهای مسلح نه‌تنها از اجرایی شدن این طرح استقبال نکرد، بلکه مخالفت خود را اعلام کرد. آنطور که نمایندگان اعلام کردند جوانان از ورود به سربازی اختیاری و حرفه‌ای استقبال نکردند.

سازمان وظیفه عمومی فراجا در این باره اعلام کرد که افزودن برخی از معافیت‌ها، باعث کمبود نیروی انسانی و کاهش بهره‌وری در حوزه‌های دفاعی و امنیتی سازمان‌های نیروهای مسلح می‌شود؛ به همین دلیل ستاد کل نیروهای مسلح، تصمیمی بر تغییر مدت خدمت سربازی ندارد. این سازمان در اعلامیه‌ای به تشریح قانون جدید تاکید کرد: «مدت خدمت دوره ضرورت، برابر ماده ۴ قانون خدمت وظیفه عمومی، متناسب با شرایط و نیازمندی کشور تعیین می‌شود و برابر آخرین ابلاغیه ستادکل نیروهای مسلح در سال جاری، کاهش مدت خدمت دوره ضرورت، متناسب با شرایط کنونی و نیاز کشور به میزان حداقل ۱۴ ماه تعیین شده است. در راستای طرح تحول خدمت سربازی با شرایط فعلی، میانگین مدت خدمت در مناطق مختلف کشور و با اعمال امتیازات کسر خدمت ویژه متاهلین، کسر خدمت به تعداد فرزندان، کسر خدمت محققین و نخبگان، کسر خدمت ویژه مناطق خدمتی و... به کمتر از ۱۴ ماه رسیده و عملاً دغدغه‌ای که موردنظر برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بوده، تامین شده است.»

دو اتفاق تلخ در بهمن ۱۴۰۲

برخی از کارشناسان که از سربازی اختیاری حمایت می‌کنند، بر این عقیده‌اند که با اتفاقاتی که در برخی از پادگان‌ها رخ داد، کاهش مدت سربازی به نفع جامعه است. بهمن امسال اما برای حوزه سربازی کشور، ماهی پر از حادثه بود؛ یکم بهمن‌ماه سال جاری، سربازی در کرمان که در پست نگهبانی بود وارد آسایشگاه سربازان شد و همقطاران خود را به رگبار بست و در این حادثه دلخراش ۵ سرباز جان خود را از دست دادند. این سرباز با دو قبضه اسلحه و خشاب، از محل متواری و در شهرستان زرند دستگیر شد. ۲۲ بهمن‌ماه مجدد خبری مبنی بر حادثه تلخ دیگری از این دست منتشر شد. یک سرباز وظیفه یگان امداد شهرستان ساوجبلاغ همراه با یک سرباز دیگر در حال گشت‌زنی بودند. ناگهان این سرباز با دلیلی نامعلوم، در یک اقدام جنون‌آمیز تیرهای اسلحه‌اش را شلیک می‌کند و سرباز دیگر را به کام مرگ می‌فرستد و با سرقت خودروی یک شهروند بی‌هدف، به سمت استان‌های غربی حرکت می‌کند اما با شناسایی، عملیات تعقیب و گریز شروع می‌شود و قاتل بدون توجه به دستور ایست پلیس، به مسیر خود ادامه می‌دهد و شلیک عوامل انتظامی به سمت خودروی او باعث واژگونی و فوت ضارب می‌شود.

در چه کشورهایی سربازی اجباری است

ایران تنها کشور جهان نیست که سربازی اجباری دارد. به جز ایران در ۱۸ کشور جهان سربازی اجباری است. ایران نیز از جمله این کشورهاست. در تایوان مردان ۱۹ تا ۴۵ سال حتی اگر تابعیت خارجی داشته باشند، مجبورند ۱۲ ماه سربازی اجباری را پشت سر بگذارند. مردان سوئیسی با رسیدن به سن بلوغ مجبورند که به سربازی اجباری در نیروی زمینی سوئیس تن دهند. زنان نیز می‌توانند داوطلب دوره سربازی باشند. اما جالب آنکه ۷۳ درصد مردم این کشور در همه‌پرسی انجام‌شده به اجباری بودن سربازی رای مثبت دادند. تمام مردان بین سنین ۱۸ تا ۲۹ ساله فنلاندی باید ۱۶۵، ۲۵۵ یا ۳۴۷ روز سربازی اجباری را طی کنند. البته در این کشور سربازی برای زنان به صورت داوطلبانه است.

کره‌شمالی بیشترین زمان سربازی اجباری را دارد. در این کشور